

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

چاردهم آگست 2013

برگشت

اگر بتوانم با پاهای ناتوان و پیکر لرزان اندک اندک راه بزنم و به پنجره امید
قریب گردم، پنجره را به سوی افق دیدار خواهم گشود. شاید به لحظات تیره
عمر من نسیم طراوتبخش صبر و شکیبائی ببینند. شاید مرغکان غزلخوان
سحری برای خشنود ساختن روح رنجور و قلب افسرده من، بخوانند و شاخه
به شاخه پرکشایند، تا لبخندم ببخشند.

چه غمناک است در طلوع صبح یقین ابر طوفانزای ناباوری را دیدن؟ چه
دردآلود و بیمناک است که در نظرگاهت رنگین کمان عشق با ابر تیره جفا
بشکند و در سقف آسمان محبت ریز ریز گردد و عظمت وفای تو نادیده باشد.
اگر میتوانستم به روزنه های بسته امید نزدیک گردم، اگر دستانم توانا به
گشایش این عبورگاههای نور میبود، نفس تازه میگرفتم و ذوق هستی را در
وجودم ریشه میدادم. چشمانم را میبستم و صدای گرم و روح آفرین مرغکان
پاکنهاد را در عمق وجودم راه میدادم و با بالهای صاف و پاکیزه آنها، بالهای
شکسته دلم را جفت میساختم و تا وسعت آسمان امید و عشق راه میجستم.

اما ای وای! چه تلخ است در آرزوی بی جواب، نشستن و آیه های انتظار را
ذکر کردن!!! اگر معجزه ای عابر این راه نگردد رنج و اندوه انتظار همواره
دامنگیر خواهد بود و برگشت کلمه ای تهی و بیهوده.

(ناهید "غزل" غنی زاده - امریکا 2005)